

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی

سال دوازدهم، شماره سی و پنجم، تابستان ۱۳۹۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۲/۱۲

تاریخ تصویب: ۱۳۹۵/۳/۲۵

صفحات: ۱۵۶-۱۲۷

## تطور دیپلماسی در قطر: از بی طرفی محافظه کارانه تا نفوذ هوشمند

دکتر بهنام سرخیل\*

دانش آموخته دکتری روابط بین الملل دانشگاه علامه طباطبائی

### چکیده

همگام با تحولات و جریان‌های نوپدید، وجوه نوینی از تعاملات در جهت فرصت‌سازی‌ها و تبدیل آن‌ها به موقعیت‌ها به کار می‌رود. از این منظر به هر میزان که برداشت جامع‌تری از دیپلماسی و زیرسیستم‌های مرتبط با آن حاصل شود، به همان نسبت امکان اثربخشی بیشتری برای سیاست خارجی دولت‌ها فراهم می‌آید. لذا بررسی و شناخت راهبردها و تحرکات دیپلماتیک بازیگران فعال همچون دولت قطر (که با وجود عدم برخوردار بودن از برخی مولفه‌های قدرت نظیر جمعیت یا وسعت سرزمینی، اما موفق به اخذ حدنصاب‌های قابل قبولی شده)، یکی از ضرورت‌های مهم تعاملات بین المللی محسوب می‌شود. پرسش اصلی مقاله حاضر به بررسی الزامات رفتاری، راهکارها و بایسته‌های دیپلماسی نوین دولت قطر معطوف گردیده است و اینکه دوحه برای تبدیل شدن به کنش‌گری اثرگذار چه رویکردهایی را در حوزه دیپلماسی اتخاذ نموده است؟ فرضیه پژوهش این است که قطر حوزه‌های جدید دیپلماسی مانند دیپلماسی اقتصادی، رسانه‌ای، آموزشی و یا میانجی‌گری را فعالانه در پیش گرفته و برنامه‌هایی چون جذب سرمایه‌گذاری خارجی، تسهیل فضای کسب و کار، رونق گردشگری، دستیابی به علم و تکنولوژی روزآمد و تصویرسازی بین المللی را در دستور قرار داده است. شیوه تحقیق پژوهش توصیفی-تحلیلی و بر مبنای روش کیفی است.

### کلید واژگان

سیاست خارجی قطر، دیپلماسی رسانه‌ای، دیپلماسی ورزشی، سرمایه‌گذاری خارجی، منابع انرژی

---

\* نویسنده مسئول، ایمیل: cdint@emdad.ir

## مقدمه

امیرنشین قطر کشوری جدیدالاستقلال<sup>۱</sup> در منطقه کهن خاورمیانه و حوزه خلیج فارس است که به صورت شبه جزیره‌ای کوچک دارای مرز زمینی مشترک با عربستان سعودی و مرز دریایی با کشورهای بحرین و امارات متحده عربی می‌باشد (موقع وزاره الخارجه قطر، ۲۰۱۵). این بازیگر به اصطلاح اتمی (از نظر مقیاس‌های جمعیتی و وسعت سرزمینی) ثروتمندترین کشور در جهان اسلام از نظر سرانه تولید ناخالص داخلی محسوب می‌شود و نرخ سرانه دوحه به حدی بالا است که در رده‌بندی‌های جهانی برخی از شاخص‌های اقتصادی این کشور نه فقط با کشورهای خاورمیانه بلکه با اقتصادهای بزرگ اروپایی مقایسه می‌شود. طبق گزارش سازمان اداره آمار آمریکا<sup>۲</sup> سرانه تولید ناخالص داخلی این امیرنشین تقریباً در سطح سه چهارم بالایی کشورهای اروپایی قرار گرفته و همچنان در حال رشد است. (موقع قلم لتبادل المعلومات، ۲۰۱۵). برای توضیح بیشتر می‌توان به جدول درصد رشد سالانه بهره‌وری کشورهای شورای همکاری خلیج فارس اشاره نمود که در آن بهره‌وری کار ملی کشورهای شورای همکاری خلیج فارس طی دوره زمانی ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۱ را نشان می‌دهد. (جدول شماره یک)

بررسی جدول مذکور حکایت از آن دارد که طی دوره زمانی موردنظر، با وجود آنکه میزان بهره‌وری و درآمد ملی اکثر کشورهای خلیج فارس بدلیل تحولات منطقه‌ای و نیز ایجاد نوسانات در قیمت نفت، تمرکز بر درآمدهای نفتی، افزایش جمعیت و حضور افراد خارجی شاغل در این کشورها به شکل قابل ملاحظه‌ای کاهش یافته است، ولی این کاهش در دو کشور قطر و امارات بسیار کمتر از سایر کشورها بوده است.

همچنین طبق آخرین آمار منتشر شده از سوی موسسه اقتصاد و صلح جهانی (IEP)<sup>۳</sup> که به بررسی شاخص‌های توسعه‌ای کشورها و رابطه میان معیارهای صلح و امنیت جهانی می‌پردازد، کشور قطر طی پنج سال متوالی منتهی به ۲۰۱۳ رتبه نخست در زمینه شاخص صلح جهانی را در سطح خاورمیانه و شمال آفریقا و نیز رتبه ۱۹ را بین ۱۶۲ کشور جهان به خود اختصاص داده

<sup>۱</sup> امیرنشین قطر تا سال ۱۹۷۱ تحت‌الحمایه انگلستان بود.

<sup>۲</sup> United States Census Bureau

<sup>۳</sup> Institute for Economics and Peace

تطور دیپلماسی در قطر: از بی‌طرفی محافظه‌کارانه تا نفوذ هوشمند

است و تفاوت زیادی با کشور رتبه دوم منطقه یعنی امارات دارد. بگونه‌ای که امارات متحده عربی در رتبه بندی سطح جهانی سال ۲۰۱۳ در جایگاه ۳۶ قرار گرفته است و کشورهایی مانند بحرین، عربستان و مصر به بخش‌های انتهایی این جدول نزول کرده‌اند. (جدول شماره دو، معهد الاقتصاد والسلام، ۲۰۱۵: ۱۳)

جدول شماره یک: بهره‌وری کار (درصد رشد سالانه) کشورهای حوزه خلیج فارس

نام کشور/ سال	۲۰۰۳	۲۰۰۸	۲۰۱۱
بحرین	۷,۰۸	-۸,۲۲	-۱,۷۱
کویت	۱۳,۲۴	۲,۳۵	۳,۴۸
عُمان	-۲,۱۱	۸,۴۸	۱,۷۵
قطر	-۱,۴۶	-۳	۹,۹۶
عربستان سعودی	۱,۵۱	۱,۰۲	۳,۸۸
امارات	۹,۱۲	-۸,۹۷	-۰,۱
کشورهای شورای همکاری خلیج فارس	۴,۵۶	-۱,۳۹	۲,۸۸

[www.qalm.gov.qa](http://www.qalm.gov.qa)

جدول ۲- طبقه‌بندی کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا در عرصه منطقه‌ای و جهانی بر اساس شاخص صلح

ردیف	کشور	رتبه در سطح خاورمیانه و شمال آفریقا	رتبه در سطح جهانی در سال ۲۰۱۳	ارزیابی
۱	قطر	۱	۱۹	۱,۴۸
۲	امارات	۲	۳۶	۱,۶۸
۳	کویت	۳	۳۷	۱,۷۱
۴	عمان	۴	۴۵	۱,۸۱
۵	اردن	۵	۵۲	۱,۸۶
۶	مغرب	۶	۵۷	۱,۹۰

[https://www.moi.gov.qa/unccpcjdoha/arabic/Qatar\\_Oasis.html](https://www.moi.gov.qa/unccpcjdoha/arabic/Qatar_Oasis.html)

بررسی این شاخص از آن حیث حائز اهمیت ویژه است که چارچوب‌های مفهومی جدیدی را در خصوص مناسبات اقتصادی کشورها همچون روابط بین کسب و کار، صلح و رفاه و سایر مولفه‌های اقتصادی و سیاسی که بر صلح جهانی تاثیرگذار هستند در اختیار قرار می‌دهد.

در واقع شاخص صلح جهانی<sup>۱</sup> یک معیار اصلی برای اندازه‌گیری میزان صلح و آرامش نسبی در کشورها محسوب می‌شود که به صورت سالیانه تعیین می‌گردد و هدف اصلی آن درک اشتراکات بین توسعه اقتصادی با صلح می‌باشد و از طریق یافته‌های اصلی مانند درآمد، تحصیلات و سطح یکپارچگی منطقه ای و کشوری قابل ارزیابی است. برخی از عواملی که در شکل‌گیری این شاخص نقش دارند عبارتند از: سطوح پایین تر ریسک در کسب و کار، درآمد سرانه بالاتر، توزیع عادلانه منابع، بهبود اعتماد بین شهروندان، و انسجام اجتماعی بیشتر.

برای شناسایی دقیق‌تر وضعیت دوحه می‌توان علاوه بر بررسی مقایسه‌ای اوضاع قطر نسبت به سایر دولت‌ها بخصوص کشورهای خلیج فارس (که اغلب دارای ویژگی‌های ذاتی مشترک نظیر وابستگی به درآمدهای نفتی می‌باشند)، نظری اجمالی به گزارش‌های آماری داخلی این کشور نیز داشت. برای نمونه در جدول شماره سه مجموع حساب‌های فصلی این کشور در قالب مقایسه درآمدهای ملی، پس‌انداز و پرداختی‌های اقتصادی قطر بر اساس شاخص‌هایی مانند مجموع پس‌انداز خالص ملی (GNI)، صادرات کالاها و خدمات (EXP)، واردات کالا و خدمات (IMP) طی سه ماهه سوم سال ۲۰۱۴ نسبت به همان مقطع زمانی در سال پیش از آن نمایش داده شده است. (جدول ۳، موقع وزارة التخطيط التنموی و الإحصاء و المعهد الدبلوماسی بوزارة الخارجية، ۲۰۱۵: ۵)

تحلیل جدول مذکور بیانگر این واقعیت است که در شرایطی که اغلب کشورهای منطقه درگیر بحران‌ها و تحولات سیاسی و اجتماعی مردمی بوده‌اند، اما همچنان برآیند شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی دوحه رشد صعودی داشته و دولت مردان قطری توانسته‌اند به بخش مهمی از اهداف خود دست یابند و با تقویت شاخص‌هایی مانند رشد شاخص GNI (مجموع درآمد ملی) در جهت گسترش زمینه‌های ارتباطی با سایر کشورها و مناطق حرکت نمایند. (جدول ۳، موقع وزارة التخطيط التنموی و الإحصاء، ۲۰۱۵: ۵)

<sup>1</sup> Global Peace Index

جدول ۳- گزارش برآورد آمار سه ماهه سوم سال ۲۰۱۴ در مقایسه با سه ماهه سوم سال پیش از آن

۵,۰٪	↑	GNI	مجموع درآمد ملی
۲,۶٪	↑	CNS	مجموع پس انداز خالص ملی
۱۱,۵٪	↑	GFCE	آخرین هزینه استهلاکی دولت
۱۵,۹٪	↑	GCF	مجموع سرمایه‌های تشکیل دهنده یا مجموع برآوردی سرمایه‌گذاری‌ها
۲,۰٪	↑	EXP	صادرات کالاها و خدمات (FOB)
۸,۰٪	↑	IMP	واردات کالا و خدمات (FOB)

البته نباید از این نکته بسیارمهم غافل بود که دستاوردهای این امیرنشین نیز مانند اغلب کشورهای عرب حوزه خلیج فارس مرهون انتقال منابع عظیم انرژی (نفت و گاز) در خلال تبعیت و وابستگی به بیگانگان در راستای تامین منافع قدرت‌های بزرگ بوده است. بطوری‌که حدود ۸۵ درصد از تعاملات بین‌المللی قطر مربوط به حوزه صادرات انرژی در جهت چرخش مطمئن و پایدار موتور محرک کشورهای غربی (در قالب عقد قراردادهای بلندمدت) شکل می‌گیرد. (قنا، ۲۰۱۵: ۲۱۱)

این وابستگی در ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی نسبت به غرب قابل احصاء می‌باشد و می‌توان شاخص‌های متعددی در توضیح آن ارائه نمود. برای نمونه در بعد اقتصادی (که تمرکز مقاله حاضر نیز بیشتر بر این زمینه قرار گرفته) باید گفت رشد اقتصادی و حتی بودجه‌سالانه قطر رابطه بسیار نزدیکی با معادلات اقتصادی غرب دارد. صالح محمد سالم النابت، وزیر برنامه‌ریزی توسعه و آمار قطر اخیراً در خصوص اثرات وابستگی شدید به اقتصاد غرب اعلام کرد این کشور ممکن است در سال ۲۰۱۶ نخستین کسری بودجه خود را طی ۱۵ سال گذشته به دلیل بروز بحران‌های مالی در بورس اروپا و آمریکا تجربه کند و با کسری بودجه ۴/۹ درصدی نسبت به تولید ناخالص داخلی خود مواجه شود. (سایت روزنامه دنیای اقتصاد، ۱۳۹۴)

از سوی دیگر نسبت نامتوازن درآمدهای بالای حاصل از فروش منابع طبیعی به مجموع هزینه‌های ملی نسبتاً کم (به دلیل جمعیت و مصارف کمتر) سبب شده تا عملاً فرصت‌های مناسبی در اختیار دولت قطر قرار گیرد تا راحت‌تر در سایر ابعاد مانند صنعت گردشگری،

کشاورزی و تجارت گام بردارد. به حدی که در سال‌های اخیر اقتصاد قطر در جهت تبدیل شدن به یکی از اقتصادهای صنعتی حوزه خلیج فارس حرکت نموده و حجم قابل ملاحظه‌ای از اقتصاد داخلی دوحه به تقویت بخش صنعت اختصاص یافته است. (سایت روزنامه دنیای اقتصاد، ۱۳۹۴)

در همین چشم انداز یکی از ویژگی‌های اقتصادی دوحه معطوف به حجم بسیار بالای سرمایه‌گذاری خارجی است که به کمک اتخاذ سیاست خارجی فعال و بهره‌گیری از دیپلماسی اقتصادی موفق شده تا سرمایه‌های شرکت‌های اقتصادی و کارتل‌های چندملیتی را جلب نماید و این کشور کوچک را به جایگاه یک پایگاه اقتصادی و از قطب‌های بانکداری کشورهای حوزه خلیج فارس تبدیل نماید. (الفارس، ۲۰۱۲: ۱۱)

نکته مهم دیگر در شناسایی تعاملات بین‌المللی دوحه مربوط به تغییر رویکردها و برنامه‌های کلان سیاست خارجی این کشور است که اگرچه از زمان استقلال در سال ۱۹۷۱ همچون اغلب شیخ‌نشین‌های عرب حوزه خلیج فارس بر مبنای نگرش‌های محافظه کارانه طراحی شده بود، اما با انتقال قدرت در ژوئن سال ۱۹۹۵ به شیخ حمد بن خلیفه آل ثانی و سپس به ولیعهد خود شیخ تمیم بن حمد آل ثانی در ماه ژوئن ۲۰۱۳ با تحولات جدی روبه‌رو شده است.

بطوری که سیاست خارجی جدید قطر با تکیه بر شاخص‌های جدید دیپلماسی نظیر دیپلماسی رسانه‌ای، اقتصادی، آموزش، ورزش، گردشگری و کمک‌های بشردوستانه متحول گردیده است و برخلاف رویه‌های سابق بر پایه استراتژی‌های برون‌نگر مانند تعامل و سازگاری با همسایگان، اتحاد استراتژیک با قدرت‌های بزرگ و تلاش در جهت ساخت تصویر ذهنی مثبت از قطر طراحی شده است.

بر همین اساس در مقاله حاضر ابتدا یک چارچوب تئوریک در خصوص نقش و جایگاه دیپلماسی عمومی بر پیشبرد منافع دولت‌ها ارائه گردیده و سپس ضمن بررسی اصول و راهبردهای موثر در سیاست خارجی قطر، راهکارها و طرح‌های در دست اقدام دستگاه دیپلماسی این کشور در جهت تامین منافع و رسیدن به جایگاه فعال قطر مورد مذاقه قرار گرفته است.

## ۱. چارچوب نظری

توسعه ارتباطات جهانی امروزه در حال تبدیل شدن به فاکتور گریزناپذیری در تدوین و

طراحی بسیاری از ابعاد مهم سیاست خارجی و دیپلماسی شده و فرآیند عادی سیاست‌گذاری را که در گذشته صرفاً جزء وظیفه دستگاه بروکراسی حرفه‌ای و در قالب دیپلماسی رسمی بود را دچار تحول نموده و با در اختیار قرار دادن اشکال جدیدی از دیپلماسی عمومی، رهبران را به چینش مجدد اولویت‌ها واداشته است.

در حقیقت گسترش ظرفیت‌های ارتباطی جدید در سطح بین‌المللی و ایجاد سازوکارهای نوین (مانند شکل‌گیری شرکت‌های چند ملیتی و نهادهای بین‌المللی و یا بهره‌گیری هدفمند از فضای رسانه‌ای)، موجب شده‌اند تا ملاک‌ها و شاخصه‌های متفاوتی در شناسایی و بررسی عوامل غیرمادی قدرت در عرصه روابط بین‌الملل مورد توجه قرار گیرد. از همین منظر پردازش فکری دیپلماسی عمومی و مولفه‌های اثرگذار در روابط بین‌الملل که فراتر از مدل‌های رسمی می‌باشد، امکان جدیدی جهت ترسیم راهبردهای جامع تعاملات و مناسبات بین‌المللی فراهم می‌آورد و دریچه مناسبی جهت توسعه روابط خارجی کنش‌گران بین‌المللی بویژه در شرایط و موقعیت‌هایی که زمینه انجام فعالیت‌های رسمی دیپلماتیک کمتر وجود دارد، برای تصمیم‌گیری بوجود می‌آورد.

#### الف. مزیت‌های دیپلماسی عمومی<sup>۱</sup>:

دیپلماسی عمومی در حوزه روابط بین‌الملل عمدتاً برای توصیف جنبه‌های نوظهور دیپلماسی که تعامل میان کنش‌گران تازه وارد را در کنار دولت‌ها در برمی‌گیرد مورد استفاده قرار می‌دهد و شامل اقداماتی است که برای تعامل و ارتباط با دیگر ملل و اندیشه‌ها بکار رفته و هدف از آن ایجاد، استقرار و استمرار روابط طولانی مدت میان فرهنگ‌ها، ارزش‌ها، اهداف و سیاست‌های یک نظام با جوامع دیگر است. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۷: ۲۱۹)

مفهوم دیپلماسی از دامنه نسبتاً محدودی که زمانی بر اساس آن عمل می‌شد فراتر رفته و لذا نمی‌توان با قائل شدن قالبی ثابت برای دیپلماسی آن را تنها متعلق به وزرای خارجه و کارمندان خدمات دیپلماتیک دانست. چه بسا طیف وسیعی از کارمندان دیگر وزارتخانه‌ها یا موسسات، نهادهای مردم‌نهاد و سازمان‌های بین‌المللی همچون صندوق بین‌المللی پول،

<sup>۱</sup> Public Diplomacy

دبیرخانه سازمان ملل متحد یا شرکت های خارجی در حال فعالیت در عرصه دیپلماتیک باشند. با این اوصاف دیپلماسی عمومی مشتمل بر برنامه‌ای منسجم و بلندمدت برای ارائه چهره‌ای موجه از فرهنگ و سبک زندگی و هنجارها و ارزش های یک کشور قلمداد می‌شود که درصدد به حداقل رساندن هزینه های ناشی از مخالفت ها و کمک به رشد تمایلات به یک دولت است. برخی از مهم‌ترین مزیت های بهره گیری از دیپلماسی عمومی عبارتند از: بکارگیری کانال های چندگانه ارتباطی داخلی و خارجی، طراحی حرکتی آرام و مداوم در جهت تسخیر افکار عمومی، بسترسازی برای افزایش آگاهی ها و اعتماد مردمی نسبت به دولت‌ها و راهبردها و برنامه های آنها، ظرفیت‌سازی و تقویت فعالیت‌های اقتصادی از طریق ایجاد تعاملات اجتماعی با استفاده از ابزارهای متنوع، و نزدیک کردن سنت ها و ایده های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی با نرم های بین المللی و جهانی (آشنا، ۱۳۸۴: ۶)

#### ب. تمایزات دیپلماسی رسمی و دیپلماسی عمومی

دیپلماسی عمومی برخلاف دیپلماسی رسمی که از سوی نهادهای رسمی یک کشور پیگیری می‌شود، بر اشکال مختلف ارتباطات غیررسمی همچون برقراری مناسبات ورزشی، رسانه‌ای، تعاملات فرهنگی (مانند همایش های فرهنگی، تبادل اساتید و دانشجوی، توربسم میان کشورها) تاکید دارد. در واقع دیپلماسی عمومی می‌تواند زمینه را برای به نتیجه رسیدن دیپلماسی رسمی فراهم کند. (زیبا کلام، نقل از ایسنا، شنبه ۲۰ مهر ۱۳۹۲) با این حال میان دیپلماسی عمومی و دیپلماسی رسمی تفاوت‌های جدی دیگری نیز وجود دارد.

نخستین ریشه این تمایز به حوزه ارتباطی آن ها باز می‌گردد. زیرا دیپلماسی عمومی صرفاً با دولت‌ها سروکار ندارد بلکه مخاطب خود را در میان افراد و سازمان های غیردولتی می‌جوید. بعلاوه دیپلماسی عمومی متضمن مشارکت بسیاری از اجزاء و عناصر غیردولتی جامعه است و بنابراین فعالیت های دیپلماسی عمومی می‌تواند معرف دیدگاه های متفاوتی باشد که از سوی افراد و سازمان های خصوصی یک کشور مطرح‌اند. در حالیکه دیپلماسی رسمی به روابط یک دولت با دولت دیگر مرتبط است و الزاماً بیانگر دیدگاه‌های رسمی یک کشور به شمار می‌رود. بنابراین دیپلماسی عمومی بر حسب چهار ویژگی ذیل از دیپلماسی رسمی متمایز می‌گردد: ۱-



غیررسمی بودن، ۲- شیوه‌های غیر سیاسی برای تحقق اهداف، ۳- فراگیر بودن مخاطبان (مخاطبان دیپلماسی عمومی، گروه‌های هدف خاص و یا عموم مردم جامعه، افراد و سازمان‌های غیر دولتی هستند که برقراری ارتباط با آن‌ها نیز نیازمند مهارت‌های خاصی است در حالی که مخاطبان در دیپلماسی رسمی دولت‌ها هستند.) و ۴- تنوع ابزار و امکانات دیپلماسی عمومی. البته تفاوت‌های دیگری نیز میان دو نوع دیپلماسی عمومی و رسمی در میان نظرات متفکرین ذکر شده است. مثلاً برخلاف اینکه در دیپلماسی رسمی، وجود ابهام و یا پنهان‌کاری ویژگی مهمی به شمار می‌رود، اما از مهم‌ترین ویژگی‌های دیپلماسی عمومی، شفافیت و تلاش برای تحت‌تأثیر قرار دادن افکار عمومی است. همچنین موضوعات و مسائل دیپلماسی رسمی در ارتباط مستقیم با سیاست‌ها و رفتار دولت‌های دیگر است، اما در دیپلماسی عمومی مسئله اصلی بر نگرش و رفتار افکار عمومی خارجی متمرکز است. ضمن آنکه بازیگران و کارگزاران دیپلماسی عمومی و نحوه رفتار آن‌ها با دیپلمات‌ها نیز تفاوت دارند.

#### پ. تحول در جایگاه، کارکردها و ابزار دیپلماسی

دیپلماسی به‌طور سنتی با مدیریت تعاملات میان دولت‌ها و روابط آن‌ها با سایر بازیگران سروکار داشته است. اما در پی تحولات رخ داده در نظام بین‌المللی، نقطه تمرکز و محتوای دیپلماسی نیز دچار تغییر شده و دیگر مانند گذشته تمرکز فقط بر سیاست‌علیا نیست. توضیح بیشتر اینکه در درک کلاسیک از روابط بین‌الملل، کنش‌های دولت‌ها تحت تأثیر عوامل محسوس قدرت قرار داشت و متعاقب آن محتوای دیپلماسی نیز معطوف به مسائلی مانند جنگ و صلح بود (سرخیل، ۱۳۹۴ : ۲۶۹-۲۶۸). ولی دیپلماسی در عصر حاضر، حوزه‌های گسترده‌تری از موضوعات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، علمی، حقوقی و عوامل سنتی سیاسی و نظامی را در بر می‌گیرد و به عبارتی موضوعات سیاست‌سفلی از اهمیت بیشتری در دستور کار دیپلماسی برخوردار شده‌اند. (سیمبر، ۱۳۹۱ : ۱۳۲)

در شرایط جدید، موضوعات فراملی متنوعی همچون تروریسم بین‌المللی، جرایم سازمان‌یافته، جریان‌های افراطی فراملی، انواع مسائل حقوق بشری و کمک‌های بشردوستانه، خطرات محیط زیستی، مهاجرت‌های غیرقانونی و سایر بحران‌ها و چالش‌های فراسوی جامعه بین

المللی قرار گرفته اند که دیپلماسی رسمی به تنهایی و از طریق روش های موجود در آن نمی تواند با آن ها مقابله کند.

بر همین منوال در وضعیت جدید بین المللی کارکردهای جدیدی نیز برای دیپلماسی شکل گرفته است که اهم آن ها عبارتند از : کمک به اجرای مقررات بین المللی، نمایندگی منافع بازیگران مختلف دولتی و خصوصی، تسهیل سازی در برقراری روابط نهادهای ملی و فراملی، هماهنگی فعالیت بازیگران مختلف در راستای منافع ملی، اولویت دهی به سیاست اقناع سازی و تصویرسازی، افزایش انعطاف ها در موضوعات سیاست خارجی، مدیریت بحران های موجود (سرخیل، ۱۳۹۴ : ۲۷۵-۲۷۴)

خلاصه آنکه در محیط جدید بین المللی، همراه با توسعه جریان های فراملی و افزایش نقش بازیگران غیر دولتی، بسیاری از وظایفی که قبلا در انحصار دستگاه دیپلماسی محسوب می شد به تدریج از این وضعیت خارج شده و توسط بازیگران جدید انجام می شود. لذا در حالی که دولت ها هنوز به عنوان مهم ترین بازیگران عرصه سیاست بین الملل می باشند ولی در عین حال آن ها مجبورند بسیاری از وظایف و مسئولیت های خود را با سایر بازیگران غیر دولتی، فراملی و فروملی در عرصه های مختلف تقسیم کنند.

بعلاوه در خصوص تحول در ابزار و شیوه های دیپلماسی نیز باید افزود همگام با گسترش دامنه دیپلماسی و بروز تحولات مفهومی در آن، ابزارها، شیوه ها و نحوه اجرا و هدایت دیپلماسی نیز توسعه یافته است. بطوری که در شرایط جدید بین المللی، جایگاه و نقش سابق دولت ها در مدیریت، راهبری و اجرای انحصاری موضوعات و مسائل سیاست خارجی تغییر نموده است و متعاقبا ابزار و شیوه های اعمال نیز دستخوش تغییراتی گردیده اند.

برای نمونه با گسترش وسایل ارتباطی جدید و افزایش امکان تعاملات، نقش و جایگاه دیپلمات ها نیز متحول شده و یکی از مسئولیت های پیشین دیپلمات ها یعنی جمع آوری اخبار و اطلاعات و ارسال آن ها را تحت الشعاع قرار داده است. همچنین پیش از وقوع تحولات گسترده در فناوری های اطلاعاتی، سفرا و نمایندگان دیپلماتیک از اعتبار و استقلال نسبی بیشتری برای هدایت امور دیپلماتیک مانند وظایف مربوط به انجام مذاکرات و نمایندگی برخوردار بودند. اما در نتیجه توسعه این تکنولوژی ها، وظایف و مسئولیت های دیپلمات ها دچار تغییرات بنیادین شده و

زمینه تماس گسترده مستقیم نهادهای دولتی و غیر دولتی در ورای مرزهای ملی تسهیل شده است. (گوهری مقدم، ۱۳۹۱: ۱۷۶)

اکنون با نظر داشت چارچوب نظری دیپلماسی عمومی این سؤال مطرح می‌شود که دولت قطر از چه شیوه‌ها و راهبردهایی جهت پیشبرد سیاست خارجی در عرصه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی بهره می‌برد؟

## ۲. اصول نوین سیاست خارجی قطر

تحولات شگرف بین‌المللی، جنبه‌های جدیدی از ارتباطات فراملی را پیش روی دولت‌ها نهاده است. از این منظر دیپلماسی به‌منزله مجاری اصلی سیاست خارجی کشورها نیز متحول گردیده و کنش‌گران بین‌المللی درصددند تا با شناخت و بهره‌گیری از ابعاد جدید دیپلماسی، فرصت‌های جدیدتری جهت تحقق منافع ملی بدست آورند. با چنین رویکردی دولت قطر یکی از بازیگران مطرح منطقه‌ای است که در سال‌های اخیر توانسته به موفقیت‌های قابل توجهی دست یابد.

سیاست خارجی این کشور بعد از روی کار آمدن شیخ حمد بن خلیفه بعنوان حاکم جدید در سال ۱۹۹۵ و متعاقب آن قدرت‌گیری فرزندش شیخ تمیم با تحولات جدی روبه‌رو شده است و به تدریج از رویکردهای محلی و راهبردهای مبتنی بر همزیستی با همسایگان در دوره پیشین که عمدتاً بر پایه سیاست‌های مسالمت‌آمیز در این کشور جریان داشت به سمت اتخاذ سیاست خارجی فعالانه در جهت ایفای نقشی برجسته در مسائل محلی، منطقه‌ای و بین‌المللی معطوف شده است.

البته تغییر نگرش‌ها در سیاست خارجی قطر فقط محدود به تمایلات شیخ جوان دوحه برای کسب اقتدار داخلی و وجهه بین‌المللی نبوده است. بلکه به نوعی بازتاب سیاست‌های این کشور نسبت به دگرگونی‌های بی‌سابقه در طول تاریخ معاصر جهان عرب در قبال شکل‌گیری موج بیداری اسلامی نیز تلقی می‌شود. چراکه خیزش‌های مردمی در خاورمیانه چشم‌انداز جغرافیایی و توازن ساختگی منطقه‌ای را با چالش‌های جدی روبه‌رو کرد که از مهم‌ترین آن‌ها برکناری حسنی مبارک رئیس‌جمهور دیکتاتور مصر، کشته شدن معمر قذافی در لیبی، گسترش دامنه

اسلام خواهی در سراسر منطقه و مدتی بعد پیدایش و یا تقویت جریان‌های انحرافی تندرو نظیر داعش و جبهه النصره در سوریه و عراق بود که حتی به تصرف برخی مناطق جغرافیایی منجر گردید.

خلاصه اینکه شکل گیری اینگونه وقایع از یک سو و ناتوانی جامعه بین المللی در پیدا کردن یک راه حل عملی در بحران‌ها و مناقشات منطقه‌ای از سوی دیگر، تاثیرات عمیقی بر چارچوب سیاست خارجی دولت قطر و شیوه‌های تعاملی آن نسبت به تحولات جاری داشته است. تا جایی که یکی از دلایل اتخاذ رویکردی فعالانه از سوی دولت قطر در صحنه سیاست خارجی، پاسخی به وضعیت شناسی راهبردی نسبت به ویژگی‌ها و مسائل داخلی، منطقه‌ای و بین المللی تلقی می‌شود.

به هر تقدیر مطابق نقشه راه جدید قطر، دکترین سیاست خارجی این دولت در حوزه روابط بین المللی بر پایه تحکیم صلح و ثبات بنا شده است و همکاری‌های بین المللی از طریق کار گروهی و متقابل با کشورهای جهان برای رسیدن به منافع مشترک جهت توسعه جامعه بین المللی و پیدا کردن راه حل برای مشکلات موجود و یا بهبود شرایط اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و علمی در دستور کار سیاست خارجی این کشور اعلام گردیده است و ماده هفتم قانون اساسی قطر تصریح می کند که سیاست خارجی دولت قطر "بر اساس اصل تقویت صلح و امنیت بین المللی است. (تعیان، ۲۰۱۴: ۳-۴)

در این چارچوب دولت مردان قطری مجموعه ای از اصول رفتاری را پیگیری می نمایند که در ذیل به تشریح برخی از آن‌ها پرداخته می شود.

#### الف. تامین منافع از دریچه راهبرد میانجی گری

سیاست مداران قطری تا پیش از انتقال قدرت در اواسط دهه نود میلادی به دلیل برخی ضعف‌های بنیادی همچون جمعیت کم، وسعت ناچیز سرزمینی و بالتبع وجود تهدیدات و ناامنی - های بالقوه ژئوپلیتیکی، از یک نوع محافظه کاری توأم با سازش در مناسبات خارجی پیروی می کردند. به طوری که رویکرد قطر عمدتاً محلی و منطقه ای و بر مبنای توسعه اقتصادی بود و این کشور در چارچوب حفظ صلح، آرامش و همزیستی با همسایگان حرکت می نمود.

بخش عمده‌ای از رویکرد مذکور مربوط به قرارگرفتن دوحه در منطقه پرتنش خلیج فارس و در مواجهه با رقابت پیچیده بازیگرانی مانند عربستان سعودی، ایران و قدرت‌های فرامنطقه‌ای حاضر در خلیج فارس بود که طی آن کشورهای کوچکی مانند امارات، قطر و کویت عملاً برای حفظ بقای خود مجبور به تبعیت و یا مصالحه با بازیگران اصلی منطقه بودند و لذا به دنبال حداقل روابط حسنه با قدرت‌های بزرگ برمی‌آمدند.

در توضیح بیشتر، از یک سو قطر برای حفظ و تامین امنیت ذخایر گازی‌اش (که در شمالی‌ترین بخش سرزمینی آن و بعضاً مشترک با منابع ایرانی است)، همواره خواستار رابطه مسالمت‌آمیز با همسایه بزرگ شمالی یعنی ایران بوده است. از جانب دیگر روابط عربستان و قطر هم برآیندی از اختلافات پنهان و مصلحت‌اندیشی‌های ناشی از ترس برهم خوردن توازن منطقه‌ای و بروز درگیری‌های مرزی بوده است. (ولدانی، ۱۳۷۷: ۸۹) در واقع وابستگی‌های قومی-مذهبی با عربستان و نداشتن سابقه تاریخی-فرهنگی مستقل، کمبود منابع سخت افزاری و تمایلات توسعه طلبی‌های ارضی عربستان باعث شده تا روابط قطر و عربستان با آنکه ظاهری دوستانه دارد، اما باطنی از بی‌اعتمادی داشته باشد و بخش مهمی از شاکله سیاست خارجی قطر را در برابر سعودی‌ها تشکیل دهد. (تعیان، ۲۰۱۴: ۳-۴)

ولیکن به تدریج طراحی معادلات جدید قطر در پی تقویت بنیه‌های اقتصادی این کشور (که مرهون اکتشافات جدید در حوزه‌های انرژی به خصوص گاز صورت گرفته است)، تغییر نموده و قدرت عظیم مالی این کشور در مسیر دیدگاه‌های امیر جدید دوحه قرار گرفته است. تاجاییکه دوحه به کمک درآمدهای حاصل از منابع گازی به دنبال نقش‌های بیشتر و اتخاذ روش‌های خلاقانه در سیاست خارجی برآمده و لذا در قالب ایفای نقش‌هایی همچون میانجی در مسائل محلی، منطقه‌ای و بین‌المللی نمایان شده است. (رمضانی، ۱۳۸۹: ۱۶)

همچنین نباید از تاثیرات روابط جدید قطر و آمریکا بر شکل‌گیری رویکرد آل‌خلیفه غافل بود. قطر به پشتوانه برقراری روابط نزدیک با آمریکا موفق شده تا حدودی به ایفای نقش در مواضع میان ایران و عربستان بپردازد و به عنوان یکی از بازیگران مهم منطقه در جایگاه میانجی‌گری مطرح شده و ضمن ابراز علاقه‌مندی جهت مشارکت در حل و فصل اختلافات منطقه‌ای و بین‌المللی بتواند ضمن تصویرسازی در اذهان جامعه بین‌المللی، نقش‌های بیشتری

را به دست آورده و خود را در ادبیات غرب به منزله "ژنو شرق" معرفی کند. (تعیان، ۲۰۱۴: ۵)

البته اتخاذ چنین رویکردی به معنی رفع مشکلات قطر با بازیگران بزرگ نبوده است. برای نمونه قطر همچنان درگیر اختلافات مرزی با آل سعود و نیز رقابت های غیرعلنی با این دولت در قبال مسائل منطقه‌ای می‌باشد. به هر حال اگرچه وزنه سیاسی-اقتصادی قطر در مقابل عربستان بسیار ضعیف‌تر بوده است، اما این کشور تلاش داشته تا ضعف‌های خود را با اظهار وجهه‌ای نسبتاً بی‌طرفانه و میانجی‌گرانه پوشش دهد و با برقراری ارتباط با دیگر قدرت‌های طراز اول منطقه نظیر ایران، ضمن بهره برداری از منافع حفظ مناسبات با ایران یک نوع اهرم فشار در برابر سیاست‌های عربستان بوجود آورده و علاوه بر ایفای نقش فعال در چالش‌ها و اختلافات، به جبران خلاهای ذاتی خود اقدام نماید.

بعلاوه قطر تلاش کرده از درآمدهای مالی خود استفاده نماید و با پرداختن به راهبرد میانجی‌گری حتی دامنه نفوذ خود را در خارج از خلیج فارس نیز گسترش دهد. برای مثال دولت-مردان قطری در نهایت تعجب (بدون داشتن روابط رسمی) با اسرائیل روابط تنگاتنگ و عملی خوبی داشته و تحت نام سیاست میانجی‌گری در مشکلات اعراب با اسرائیل در معادلات بین المللی ورود پیدا کند. (رمضانی، ۱۳۸۹: ۱۹)

در یک برداشت کلی از نقش میانجی‌گری قطر باید گفت اگرچه پی‌گیری این سیاست در برخی موارد، ناراحتی بازیگرانی مانند مصر و عربستان (که بطور سنتی برای خود چنین جایگاهی قائل بوده‌اند) را در پی داشته است، اما اقدامات میانجی‌گرایانه قطر اغلب با حمایت قدرت های جهانی مواجه شده است. به حدی که ایفای این نقش بخش مهمی از استراتژی امنیت ملی قطر شناخته شده و در مواردی موجب افزایش اهمیت و محبوبیت قطر به عنوان واسطه ای بی طرف در نظام بین الملل گردیده است. (رمضانی، ۱۳۸۹: ۲۴)

نقش آفرینی دوحه در درگیری‌ها و منازعات تجزیه سودان، مشارکت برای رفع رویدادهای تنش‌آمیز ماه مه ۲۰۰۸ در لبنان و تلاش قطر برای آزادی پرستاران بلغاری و پزشکان فلسطینی در سال ۲۰۰۷ که در لیبی بازداشت شدند، همگی مصادیقی از جایگاه خاص منطقه ای و بین المللی قطر برای حل و فصل اختلافات از طریق مسالمت آمیز و نقش میانجی‌گری است.

### ب. دیپلماسی رسانه‌ای و وجهه بین‌المللی قطر

دولت قطر در چارچوب کسب منافع ملی و ارتقاء وجهه بین‌المللی در خارج از مرزها، مجموعه فعالیت‌ها و تلاش‌های هدف‌مندی را ذیل دیپلماسی رسانه‌ای طراحی نموده است. جوهره چنین منطقی به رویکرد برون‌نگر و ابعاد اجتماعی روابط دوحه در عرصه فراملی بازمی‌گردد که طی آن دوحه تعریف جدیدی از موقعیت خویش در عرصه افکار عمومی بین‌المللی ارائه داده و فضای مناسبی برای همکاری‌ها مانند جلب سرمایه‌گذاری‌ها، تبادل کالا و تسهیل در رفت و آمد با سایرین فراهم می‌نماید.

لذا شبکه بین‌المللی الجزیره به عنوان مهم‌ترین محصول چنین نگرشی رسماً کار خود را با دریافت سرمایه‌ای به مبلغ ۱۵۰ میلیون دلار از امیر قطر در سال ۱۹۹۶ آغاز نمود و در ادامه فعالیت نیز ضمن دریافت یارانه سالیانه حدود ۳۰ میلیون دلار، برجسته‌ترین الگوی دیپلماسی رسانه‌ای اعراب شناخته شده است. (حبیب، ۲۰۱۵: ۲۹)

بگونه‌ای که توماس ال فریدمن گزارشگر معروف نیویورک تایمز، این شبکه را "آزادترین و فراگیرترین شبکه تلویزیونی قابل مشاهده در جهان عرب" دانسته و دولت آمریکا این بنگاه خبری را تحت عنوان یک مجموعه رسانه‌ای مستقل در خاورمیانه مورد تمجید قرار داد. هرچند که در پی حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و زمانی که تصاویری ویدئویی اسامه بن لادن به دفعات در این شبکه عربی پخش گردید، تردیدهایی را در میان زمامداران غربی بوجود آورد. (سایت ویکی‌پدیا، ال فریدمن، ۱۹۹۹)

به هر حال الجزیره طی چند سال گذشته به یکی از رسانه‌های مطرح خبری جهان تبدیل شده است و دیپلماسی رسانه‌ای قطر را هم‌پای سایر رقبای رسانه‌ای مانند ترکیه قرار داده که با تکیه بر پول نفت و گاز و نیز مراودات وسیع بین‌المللی، خود را به عنوان یک مرکز ثقل دیپلماسی معرفی نموده و به کمک سیاست‌گذاری‌های نوین شیخ نشین قطر آمده است.

### ۱- دیپلماسی رسانه‌ای قطر و خیزش‌های مردمی

نقش و تاثیر دیپلماسی رسانه‌ای قطر در جریان بیداری اسلامی و مدیریت بحران‌های ناشی از آن بسیار قابل تامل است. دوحه به مدد استفاده از این شیوه بویژه از دسامبر ۲۰۱۰ (و حتی قبل از بروز انقلاب‌های عربی) درصدد بازسازی چهره سیاسی خود در افکار عمومی منطقه برآمد

و در شرایطی که مردم کشورهای مختلف خاورمیانه به اعتراضات وسیع علیه سلطه، سرکوب و ظلم دیکتاتورهای جهان عرب دست زده بودند، در قالب اجرای بند دوم ماده هفتم قانون اساسی این کشور به "حمایت از حق مردم برای تعیین سرنوشت خود" تاکید نموده و از حرکت‌های مردمی در مناطق مختلف پشتیبانی کند. (تغیان، ۲۰۱۴: ۷)

پس از اوج گیری خیزش‌های مردمی، دستگاه دیپلماسی قطر تلاش مضاعفی کرد تا با اولویت دهی به تغییرات اساسی در حوزه افکار عمومی تصویر جدیدی در اذهان ملت‌ها ایجاد نماید و در نقش یک دولت اصلاح‌گر و بازیگری فعال، حامی و پشتیبان مردم منطقه نمایان شود. به بیان دیگر دوحه در بحبوحه تحولات و موج خیزش‌های مردمی با کمک فعال سازی دیپلماسی رسانه‌ای، خود را به عنوان حامی قیام‌های مردمی نشان می‌داد تا ضمن صحنه آرایبی و مدیریت فضای آشفته، از موج تحول خواهی مصون بماند و با پوشش هدفمند اخبار و تحولات قیام مردم بر ضد منافع زمامداران دیکتاتور و حامیان منطقه ای آن نظیر آل سعود، طوری عمل نماید که به مدافع مردمی در منطقه القاء شود.

از سوی دیگر آل خلیفه در ائتلاف‌ها و مکانیسم‌های بازدارندگی نظامی و تحت پوشش "ائتلاف بین المللی مشارکت در حمله‌های نیروهای ناتو" در آوریل ۲۰۱۱ برای سرنگونی معمر قذافی حضور فعالی یافت و همچنین آمادگی خود را از پشت تریبون اتحادیه کشورهای عرب جهت اعزام نیروهای عربی به سوریه اعلام کرد. (تغیان، ۲۰۱۴: ۳)

جهت تحلیل مواضع قطر طی دوره مذکور باید افزود که خارج شدن از وضعیت محافظه کارانه و حرکت به سمت چهره‌های فعال در شرایطی رخ می‌داد که به دلیل درگیری‌های پنهان و پیدای قدرتهای طراز اول نظیر عربستان سعودی و ترکیه در جریان تحولات بیداری اسلامی، یک نوع خلاء قدرت کشورهای منطقه ای در طول دوره ۲۰۱۱ - ۲۰۱۳ بوجود آمده بود و این مسئله قطر را تشویق می کرد تا یک فرصت بی بدیل در خط مقدم رویدادها، بویژه در پی احراز مقام ریاست اتحادیه کشورهای عرب برای دو دوره متوالی دریابد.

برای تشریح بیشتر باید افزود در بحبوحه خیزش‌های مردمی، تمرکز قدرت‌های سنتی جهان عرب معطوف به وقایع پیش رو بود. عربستان سعودی مشغول پیکربندی امور داخلی خود بود و مصر نیز درگیر مسائل دوره انتقالی پس از انقلاب ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱ بوده و عراق نیز همچنان با



معضلات پس از اشغال‌گری بهار ۲۰۰۳ آمریکا به سرمی‌برد و سوریه هم از ماه مارس ۲۰۱۱ گرفتار بحران و آشفتگی گروه‌های تکفیری شده بود. لذا مجموعه این عوامل سبب رشد جایگاه و موقعیت قطر نسبت به مواضع و معادلات قدرت کشورهای منطقه‌ای و بین‌المللی از جمله اتحادیه عرب و شورای همکاری خلیج فارس گردید.

نتیجه اینکه فضای مساعد بوجود آمده در طی بهره‌گیری هدفمند دیپلماسی رسانه‌ای در سیاست خارجی، فرصتی را برای دوحه مهیا نمود تا در موضعی متفاوت و آشکار نسبت به سایر شیخ‌نشین‌ها، اقداماتی که موجب جلب توجه افکار عمومی می‌گردید را در دستور کار قرار داده و با اقداماتی همچون صدور بیانیه‌های رسمی در دفاع از مردم، ارائه آشکار حمایت‌های سیاسی، دیپلماتیک و بشردوستانه و حتی کمک در زمینه‌های لجستیکی، مالی، سرمایه‌گذاری و اقتصادی به مدیریت شرایط در راستای منافع ملی پردازد. (موقع‌المعشر، ۲۰۱۳)

## ۲- دیپلماسی ورزشی قطر

تمرکز اصلی دیپلماسی عمومی به برقراری ارتباط با گروه‌های مختلف اجتماعی و تاثیر بر افکار عمومی معطوف است و لذا عرصه ورزشی که مخاطبان بسیاری را در قشرهای مختلف جوامع به خود اختصاص می‌دهد، بالذاته برای دیپلماسی عمومی جذابیت زیادی دارد. فضای ورزشی (اعم از میدانی مسابقات، رسانه‌های ورزشی، طرفداران و علاقه‌مندان) زمینه بسیار خوب و سریعی برای شناساندن و فرستادن پیام و اطلاع‌رسانی به وجود می‌آورد. بگونه‌ای که یکی از وجوه دیپلماسی غیررسمی در قالب دیپلماسی ورزشی با هدف استفاده از ورزش برای کسب سایر مقاصد و تامین منافع ملی محسوب می‌شود.

برهمن اسلوب در دستگاه سیاست خارجی دوحه، پرداختن به امر ورزش در جایگاه یکی از استراتژی‌های مهم این کشور مطرح شده و باهدف شناسایی و تقویت حضور قطر در مجامع بین‌المللی به تصویب رسیده و متعاقباً مجموعه دستورالعمل‌های عملیاتی از سوی رییس دولت ابلاغ گردیده است. (بونیفاس، ۲۰۱۳: ۵۹)

امیرنشین قطر به مدد درآمدهای حاصل از منابع عظیم گازی سرمایه‌گذاری‌های قابل توجهی برای حمایت از رقابت‌های ورزشی و باشگاه‌های ورزشی محلی و بین‌المللی در قالب

دیپلماسی ورزش بعمل آورده است و طی مدت کوتاهی این کشور ۱/۷ میلیون نفری را به یک مرکز ورزشی جهانی تبدیل نموده است.

در سال‌های اخیر دوحه با جذب علاقه‌مندان ورزشی میزبان بسیاری از معتبرترین و درآمدسازترین تورنمنت‌های ورزشی بوده است. یکی از مهم‌ترین مصادیق توفیق دیپلماسی ورزشی قطر کسب سهمیه میزبانی جام جهانی ۲۰۲۲ است که این امیرنشین کوچک با جلب نظر فدراسیون جهانی فوتبال (فیفا)، امتیاز میزبانی پر بیننده‌ترین رویداد ورزشی جهان را به دست آورده است.

توجه به دیپلماسی ورزشی علاوه بر تقویت مولفه‌های داخلی قدرت مانند نشاط و تحرک اجتماعی، گسترش غرور ملی، رونق اقتصادی و انسجام اجتماعی باعث کمک به ارتقاء ابعاد بین‌المللی قدرت قطر می‌گردد که از آن جمله می‌توان به آثار ذیل اشاره نمود:

#### الف) کسب پرستیژ بین‌المللی برای قطر ذیل مسابقات بزرگ جهانی

مشارکت در برپایی رویدادهای بین‌المللی نظیر مسابقات جهانی فرمول یک، جام جهانی فوتبال، بازی‌های جهانی تنیس، گلف، راکبی، دو میدانی سبب طرح نام این کشور ذره‌ای در افکار عمومی جهانی و افزایش اعتبار بین‌المللی آن می‌شود. بویژه اینکه قطر با برخورداری از شبکه رسانه‌ای الجزیره مخاطبین زیادی را در اختیار داشته و بستر لازم جهت معرفی بیشتر این کشور را می‌یابد.

بعلاوه دوحه با دادن تابعیت قطری به ورزشکاران مشهور در رشته‌های مختلف ورزشی تلاش دارد تا با کسب مدال‌های جهانی و المپیکی نه تنها خود را در زمره کشورهای برجسته بین‌المللی مطرح نماید بلکه زمینه‌های کسب دریافت جایگاه‌های مهم ورزشی مثل حق میزبانی، دریافت سهمیه بازی‌های جهانی و نظایر آن را بدست آورد. خرید و یا اسپانسر تیم‌های برتر ورزشی در کشورهای اروپایی توسط اعضای خاندان سلطنتی و یا شرکت سرمایه‌گذاری ورزشی قطر (QSI) که بودجه‌اش توسط شیخ تمیم بن حمد آل ثانی تأمین می‌شود در همین چشم انداز قابل بررسی است (الصیداوی، ۲۰۱۵)

#### ب) جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی از منظر ورزشی

دیپلماسی ورزشی از چند حیث موجب رونق سرمایه‌گذاری‌های خارجی می‌شود. پرداختن به دیپلماسی ورزشی، سرزمین قطر را نه تنها به کشوری جذاب برای هواداران و دست‌اندرکاران

ورزش تبدیل می‌نماید، بلکه به تبع آن باعث جذابیت فوق‌العاده برای سرمایه‌گذاران خارجی می‌گردد. اولاً بسیاری از شرکت‌های تجاری-اقتصادی و همچنین بنگاه‌های رسانه‌ای در جهت بهره‌مندی از فرصت‌های ایجاد شده و استفاده از تمرکز افکار عمومی در خلال مسابقات ورزشی، خواستار حضور و عرضه محصولات خود در این کشور می‌شوند. بگونه‌ای که بسیاری از برندهای مطرح تجاری با صرف هزینه‌های زیاد مشتاق سرمایه‌گذاری در قطر هستند. ثانیاً در کنار حضور شرکت‌های بزرگ در بخش‌های ورزشی، بسیاری از فعالان و سرمایه‌گذاران محصولات غیرورزشی مانند مالکان صنعت تبلیغات، صنعت توریسم، صنعت حمل و نقل درصدد ورود به بازارهای قطر خواهند بود. بدین ترتیب پیگیری این سیاست موجب معرفی ظرفیت‌های قطر در عرصه بین‌المللی می‌گردد. نکته دیگر آنکه تداوم دیپلماسی ورزشی موجب برنامه‌ریزی‌های بلندمدت شرکت‌های اقتصادی نیز می‌گردد.

پ) کمک به گسترش بخش‌های زیرساختی قطر

برپایی گردهمایی‌های بزرگ بین‌المللی بویژه در حوزه ورزشی که مخاطبین و ذینفعان داخلی و خارجی فراوانی همراه دارد، اقتضاء می‌کند تا دوحه انجام پروژه‌های زیرساختی را بیش از شرایط عادی در دستور کار قرار دهد. تاجایی که این کشور کوچک مانند یک منطقه ساخت و ساز بزرگ درآمده است که مقرر شده در طول پنج سال منتهی به ۲۰۲۰ میلادی مبلغی معادل ۲۲۵ میلیارد دلار در زمینه انجام پروژه‌های زیرساختی از جمله بزرگراه‌ها، فرودگاه، ورزشگاه‌ها و هتل‌های جدید هزینه نماید. (کتبی، ۲۰۱۳: ۲۳)

از سوی دیگر پیگیری دیپلماسی ورزشی سبب می‌شود تا افزون بر جلب سرمایه‌گذاری‌های مستقیم در بخش زیرساخت‌های ورزشی، محرک‌های لازم برای رونق سایر بخش‌ها نیز بوجود آید. دیپلماسی ورزشی علاوه بر زیرساخت‌های اقتصادی حتی به صورت غیرمستقیم بر سایر حوزه‌های کلان نظیر راهبردها و برنامه‌های اجتماعی و فرهنگی قطر نیز اثر می‌گذارد. برای نمونه توجه جامع به امر ورزش قهرمانی بصورت خواسته یا ناخواسته موجب توجه بیشتر به جایگاه و اهمیت حضور بیشتر زنان به محیط‌های ورزشی گردیده و بالتبع موجب برجسته‌تر شدن نقش و حضور زنان در جامعه محافظه‌کار قطر می‌گردد. موضوعی که در سال‌های اخیر از ابعاد مختلف در دستور کار راهبردهای اجتماعی-فرهنگی این کشور مسلمان قرار داشته است.

تاجایی که یکی از ماموریت‌های اصلی که توسط "الشیخه موزه بنت ناصر" همسر امیر قطر پی-گیری می‌شود، مربوط به افزایش حضور زنان در سطوح اجتماعی با رویکرد اشاعه سبک زندگی غربی است.

در همین راستا بانوی اول قطر به کمک ظرفیت‌های حوزه ورزشی ضمن همکاری نزدیک با مؤسسات خارجی فعال در این کشور به انجام اقدامات عمومی برپایه تمرکز بر حضور زنان می‌پردازد که از آن جمله می‌توان به ایجاد باشگاه زنان عرب، اولین پیست اتومبیل رانی زنان و نظائر آن اشاره نمود که به دنبال تقویت مشارکت زنان و ایجاد الگویی به ظاهر دمکرات در میان سایر کشورهای منطقه است. (المسند، موقع amozabintnasser ۲۰۱۵)

### پ. بستر سازی از طریق دیپلماسی فرهنگی

بخش عمده ای از دیپلماسی عمومی ذیل روابط فرهنگی قابل تحقق است. از این منظر دیپلماسی فرهنگی به مفهوم تلاش برای درک، آگاهی‌سازی، مشارکت دادن و تأثیرگذاران بر مردم دیگر کشورها قلمداد می‌شود و شامل تبادل ایده‌ها، اطلاعات، هنر و دیگر جنبه‌های فرهنگی میان ملت‌ها به منظور تقویت تفاهم متقابل است و عاملی جهت تأمین منافع ملی با استفاده از ابزارهای فرهنگی قلمداد می‌شود؛ بگونه ای که نفوذ و اثرگذاری، دو هدف اصلی دیپلماسی فرهنگی به شمار می‌رود. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۷: ۱۷۹)

مطابق این برداشت دیپلماسی فرهنگی شامل یک سری برخوردهای انسانی می‌باشد که از طرق مختلف همچون، آموزش، توریسم، تجارت، هنرهای تجسمی، کتاب و امثال آن دنبال می‌شود.

### ۱- آموزش و دیپلماسی فرهنگی قطری

دولت قطر در چارچوب بهره‌گیری از ظرفیت‌های آموزشی تلاش وافری داشته است تا ضمن ایجاد زیرساخت‌های آموزشی و افزایش امکانات دانشگاهی، علاوه بر کمک به ارتقاء سطح علمی-آموزشی قطر، زمینه‌های گسترش ارتباطات آموزشی با خارج از کشور را فراهم نماید. برای نمونه دولت یکی از مجهزترین و مدرن‌ترین شهرهای آموزشی را به مساحت تقریبی

۸۰۰۰۰ متر مربع در حومه دوحه در قالب شهرک دانشگاهی زنان تاسیس نموده است و با برقراری رشته‌ها و آکادمی‌های جدید مانند دانشکده رهبران قطر، دانشکده مطالعات اسلامی و دانشکده گفتگوهای قطر توانسته است تا افشار و گروه‌های مختلف را به سوی خود فرا - خواند. (المسند، ۲۰۱۵)

بر اساس همین چشم انداز مراکز آموزشی با تکنیک‌ها و شیوه‌های مختلف مثل پروژه بین المللی "پل اکادمیک (ABM)" و "برنامه جامع بزرگترین اطلس جهان اسلام" با دانشگاه‌های معتبر بین المللی همکاری نموده و در خلال تعاملات علمی-دانشگاهی به جذب استعدادها و جوانان کشورهای منطقه مبادرت می‌نمایند. (المهندی، ۲۰۱۵) طبیعتاً چنین رویکردی اولاً موجب شکل‌گیری جذابیت در میان سایر جوامع گردیده و این کشور را به عنوان الگویی در میان سایر کشورهای منطقه مطرح می‌نماید و ثانیاً زمینه‌های شکل دهی حوزه نفوذ اجتماعی قطر را در سایر جوامع افزایش می‌بخشد. هرچند نباید از یاد برد که این کشور به تدریج خلاء نیروی انسانی متخصص را در خلال بکارگیری نخبگان دیگر کشورها نیز مرتفع می‌سازد.

## ۲- درمان و دیپلماسی فرهنگی

یکی دیگر از عرصه‌هایی که بطور جدی در خدمت دیپلماسی فرهنگی قطر قرار گرفته مربوط به حوزه سلامت و درمان است. از آنجا که مقوله بهداشت بخش‌های مختلفی از جامعه (نظیر پزشکان و دست‌اندرکاران حوزه درمان، بیماران و خانواده‌های آنان و نظائر آن) را تحت تاثیر قرار می‌دهد، بصورت بالقوه ظرفیت‌های مناسبی برای بسط و ترویج دیپلماسی فرهنگی ایجاد می‌نماید.

برای نمونه مرکز فوق تخصصی "آموزش، درمان و تحقیقات پزشکی السدره" قطر یکی از مجهزترین مراکز درمانی منطقه محسوب می‌شود که طیف وسیعی از جوامع کشورهای همسایه را به سوی خود جلب می‌نماید. بعلاوه این مرکز درمانی با عضویت در مجامع بین المللی مرتبط با حوزه درمان نظیر اتحادیه جهانی نابینایان یا همکاری با فدراسیون نابینایان و ناشنوایان عرب، شبکه وسیعی از نخبگان و افکار عمومی را تحت تاثیر قرار می‌دهد. (مؤسسه قطر، ۲۰۱۵)

### ۳- امور خیریه و دیپلماسی فرهنگی

امور خیریه طیف وسیعی از ارتباطات انسانی مانند حوزه فقرزدایی، درمان، آموزش در میان قشرهای مختلف اجتماعی بخصوص زنان و کودکان را شامل می‌گردد. در واقع موضوع کمک به هم نوع و حمایت از محرومین یکی از مباحث بنیادی در تعاملات انسانی محسوب می‌شود که به استناد شواهد متعدد تاریخی ریشه در فطرت انسانی داشته و یکی از مشترکات جوامع بشری قلمداد شده است و لذا فرصت بی بدیلی در حوزه‌های ارتباطی همچون دیپلماسی عمومی فراهم آورده است. (سرخیل، ۱۳۹۴: ۲۶)

از همین منظر برنامه ریزی در سطوح بین المللی و ایجاد سازوکارهای جدید نظیر شکل گیری موسسات خیریه در دستور کار بسیاری از بازیگران فعال بین المللی از جمله قطر قرار گرفته است و موسسات خیریه و سازمان های مردم نهاد قطری تحت نام کمک به امور انسان دوستانه شکل گرفته اند و ابعاد جدیدی از دیپلماسی فرهنگی و دیپلماسی عمومی را تحت عنوان دیپلماسی حمایت در درون دستگاه سیاست خارجی قطر بوجود آورده اند.

جالب آنکه اغلب فعالیت های خیریه زیر نظر همسر امیر قطر و با مشارکت دهی زنان صورت می پذیرد. الشیخه موزه بنت ناصر المسند که به کمک رسانه های قطری تلاش های زیادی در تقویت حوزه دیپلماسی قطر ایفا می نماید بر این باور است " فعالیت های خیریه مانند پل است که تک تک افراد بشر در خانه های خود به هم وصل می کند و بدون در نظر گرفتن رنگ، تمدن، فرهنگ، دین، مذهب و یا طایفه، مانند حلقه های زنجیر ارتباط ایجاد می کند. پس وظیفه ما حفظ ارتباط این زنجیر و تقویت و تحکیم این پل در برابر هر آسیب است. (الشرفی، ۲۰۱۵)

لذا طیف وسیعی از اقدامات بشردوستانه ای نظیر تأسیس اولین سازمان اهدای عضو قطری تا فعالیت های فقر زدایی و کمک به نیازمندان و آوارگان در اولویت برنامه های سیاست خارجی این کشور قرار گرفته است و دوحه تحت نام امور انسان دوستانه بخش مهمی از سیاست های خود را پیگیری می نماید.

### ت. دیپلماسی اقتصادی قطری

یکی از مهم‌ترین وجوه قطر در عرصه بین‌المللی مربوط به بخش اقتصادی آن می‌باشد. از یک سو اقتصاد قطر بالذاته موتور حرکت دستگاه سیاست خارجی در سایر بخش‌ها محسوب می‌شود و بدون درآمدهای عظیم مالی، عملاً امکان اجرای سایر برنامه‌ها و سیاست‌ها میسر نمی‌شود. از سوی دیگر حجم بالای منابع انرژی دوحه به حدی است که سیاست‌های سایر بازیگران بین‌المللی در قبال این کشور را تحت الشعاع قرار می‌دهد. برخی از شاخص‌های دیپلماسی اقتصادی قطر عبارتند از:

#### ۱- تمرکز دولتی بر حوزه دیپلماسی اقتصادی

یکی از ویژگی‌های اصلی در بررسی دیپلماسی قطر مربوط به تمرکز دولتی بر حوزه‌های گوناگون دیپلماسی بویژه دیپلماسی اقتصادی است. دولت قطر به عنوان قوی‌ترین رکن سیاسی و اقتصادی، مهم‌ترین نقش و جایگاه بلامنازع را در بخش‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی امیرنشین قطر بر عهده دارد. بگونه‌ای که نه تنها سایر سازمان‌ها و نهادهای اقتصادی و اجتماعی تحت نظر مستقیم دولت فعالیت می‌نمایند، بلکه انواع مسئولیت‌ها و کارکردها بویژه عرصه‌های خارجی در انحصار دولت قرار داشته و به عبارت دیگر بخش عمده دیپلماسی اقتصادی قطر ذیل شبکه‌های دولتی صورت می‌پذیرد و در نتیجه سازمان‌های خصوصی و شرکت‌های غیردولتی نقش چندانی در معاملات ندارند. البته این مساله علی‌رغم ضعف‌ها و مشکلات ناشی از عدم بکارگیری ظرفیت‌های مردمی و شرکت‌های خصوصی سبب شده تا در مقطع کنونی به نوعی تمرکز و انسجام میان بخش‌های مختلف دولتی شکل گیرد. بعلاوه از آنجایی که پیوند قطر با بازارهای جهانی عمدتاً از طریق فروش نفت و گاز، خرید مواد اولیه و مبادلات محصولات مصرف داخلی بوده است، لذا در شرایط فعلی قطر از منظر اقتصادی کمتر در معرض چالش‌هایی که دولت‌های توسعه یافته در زمینه عدم مشارکت بخش‌های خصوصی قرار دارند در عمل مواجه می‌باشد ولی در مقابل از مزایای دیپلماسی اقتصادی در داخل کشور همچون تسریع برنامه‌های صنعتی شدن، ایجاد فرصت‌های شغلی بهره می‌برد.

طبق گزارش آمار سالانه منتشره در ماهنامه بین المللی "گلوبال فاینانس" <sup>۱</sup> در سال ۲۰۱۴-۲۰۱۵، دولت قطر بین ۱۰ کشور ثروتمند جهان بوده که حوزه‌های دولتی بیشترین بخش آن را به خود اختصاص می‌دهد. (رجب، ۲۰۱۵) البته قطر از طریق عایدات حاصله از فروش نفت و گاز و سرمایه گذاری ها در این بخش که بالغ بر ۲۶ بیلیون دلار برآورد شده است (علی، ۲۰۱۶): (۲۳۸۹)، توانسته بخش های خصوصی و عمومی را نیز رونق دهد و برگزاری و اجرای برخی طرح های کلان منطقه ای و بین المللی را از طریق موسسات و سازمان‌های غیردولتی با همکاری سازمان‌های بین المللی مانند مرکز تجارت جهانی واقع در ژنو اجرا نماید. (سایت ویکی پدیا، ۲۰۱۶).

## ۲- سرمایه‌گذاری خارجی در سایه پشتیبانی‌های مستمر مالی

یکی از اهداف اصلی در حوزه دیپلماسی اقتصادی، تحقق اهداف اقتصادی و کمک به نظام مالی یک کشور است. طبیعتاً هراندازه که ظرفیت‌ها و توانایی‌های اقتصادی یک کشور بالاتر باشد، امکان بکارگیری و استفاده از فرصت‌های خارجی بیشتر می‌شود. این موضوع در خصوص کشورهایی مانند قطر که دارای درآمدهای بالا و تقریباً بیش از حد نیاز داخلی هستند، بیش از سایر کشورها ملموس می‌باشد. به بیان دیگر قطر با اتکای بر کشف منابع جدید انرژی، نه تنها برخلاف بسیاری از کشورهای منطقه اضطراری برای برقراری موازنه اقتصادی و مقابله با چالش‌های ناشی از وابستگی به صنعت نفت و گاز و یا ایجاد تحولات جدی در اقتصاد داخلی ندارد، بلکه این کشور به کمک پشتیبانی‌های حاصل از درآمدهای روبه رشد نفت و گاز، عملاً فرصت بیشتری برای سرمایه‌گذاری‌های خارجی در اختیار دارد. در همین چشم انداز موسسات و بنگاه‌های بزرگ مالی قطر مانند بانک ملی قطر<sup>۲</sup> و بانک اول سرمایه گذاری قطر<sup>۳</sup> از طریق جذب بی سابقه سرمایه های خارجی توانسته‌اند در شرایطی که بسیاری از شرکت‌های تجاری و اقتصادی با بحران‌های شدید روبه رو هستند، دارایی‌های خود را فقط در سال ۲۰۱۵ به نسبت ۱۱٪

<sup>1</sup> Globalfinance

<sup>2</sup> QNB

<sup>3</sup> IBQ



## نتیجه‌گیری

بکارگیری ابزارهای دیپلماسی نوین در دستگاه سیاست خارجی امیرنشین قطر تأثیرات زیادی بر مدیریت دیپلماتیک این کشور برجای گذاشته است و بالتبع ظرفیت‌ها و فرصت‌های جدیدی برای ایفای نقش بیشتری در عرصه تعاملات بین‌المللی فراهم نموده است. اگرچه دوحه در برخی مسائل مهم بین‌المللی مانند جانبداری اولیه از رژیم دیکتاتوری مصر و یا موضع‌گیری‌ها در مسیر حمایت از اخوان المسلمین دچار خطاهای راهبردی گردید، مع الوصف انطباق‌پذیری قطر با موقعیت‌ها و شرایط جدید منطقه‌ای و بین‌المللی مانند اوج‌گیری خیزش‌های مردمی از طریق تحرکات نوین دیپلماتیک، نمایانگر ظهور اشکالی از قدرت در بدنه سیاست خارجی این کشور می‌باشد که جوزف نای در کتاب خود آن را "قدرت هوشمند"<sup>۱</sup> نامیده است.

طبق این نگرش، انعطاف‌پذیری در مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی پیش از آنکه به معنی عقب‌نشینی تلقی شود، یک تغییر راهبردی بر مدل سیاست خارجی محافظه‌کارانه قطر محسوب می‌شود که ناظر بر قابلیت‌ها، ضعف‌ها، چالش‌ها و فرصت‌ها بوده و با بکارگیری ابزار و شیوه‌های نرم دیپلماتیک مثل دیپلماسی رسانه‌ای، دیپلماسی ورزشی، فرهنگی و اقتصادی (کمک به سرمایه‌گذاری‌ها، توافقات تجاری، تسهیلات مالی) در مسیر اهداف کلان شکل می‌گیرد. برای مثال دولت قطر طی مدت دو سال اخیر حدود ۱۰۸ هیأت بلندپایه سیاسی و دیپلماسی به کشورهای مختلف جهت ایجاد همکاری‌های تجاری، حقوقی، محیط زیست، تبلیغاتی اعزام نموده و با ۳۲۸ سازمان و مؤسسه بین‌المللی برجسته دنیا روابط نزدیک ایجاد کرده است. (موقع بنک قطر للتنمیة، ۲۰۱۶)

به بیان دیگر دوحه در دهه اخیر علاوه بر تحرکات رسمی دیپلماتیک و اتخاذ مواضع فعالانه بین‌المللی مانند مشارکت و عضویت در اکثر مراسم و همایش‌های بین‌المللی، سازمان‌ها و مجامع جهانی تلاش کرده تا از ابزارها و شیوه‌هایی که تمرکز و تأثیر بیشتری بر افکار عمومی

<sup>۱</sup> Smart power

بین المللی داشته بهره کافی ببرد. راه اندازی شبکه جهانی الجزیره و جذب مخاطبین بسیار در جهان عرب و یا تلاش برای برپایی مسابقات و المپیک‌های معتبر ورزشی مانند بیست و دومین جام جهانی فوتبال ۲۰۲۲ از جمله مصادیق توجه به دیپلماسی عمومی است که این کشور را در برابر اذهان بین المللی می‌نهد.

در یک گام عمیق تر دستگاه سیاست خارجی این کشور با بهره گیری از شیوه‌هایی همچون بکارگیری دیپلماسی آموزشی (همچون ایجاد و گسترش مراکز علمی و یا اعطای بورس‌های تحصیلی به جوانان) و یا دیپلماسی فرهنگی (مانند تمرکز بر حوزه‌های بشردوستانه و یا اقدامات حمایتی و فقر زدایی) بخش مهمی از جوامع مختلف را در معرض اهداف فراملی خود قرار می‌دهد و به شکل گیری حوزه نفوذ اجتماعی و تصویر سازی مثبت از آل خلیفه در سایر جوامع و به عبارت دیگر قدرت نرم می انجامد. زیرا طبیعی است که مثلاً بیمارانی که توسط حمایت‌های پزشکی مراکز قطری درمان شوند و یا محرومینی که با مساعدت‌های موسسات خیریه قطری به تحصیل می پردازند، خود را وام دار این کشور می‌دانند.

البته دستاوردها و نتایج بکارگیری دیپلماسی‌های نوین صرفاً در جهت تقویت شاخص‌های قدرت نرم مانند تصویرسازی دولت قطر و یا ایجاد حوزه نفوذ اجتماعی این کشور نزد جوامع هدف محدود نگردیده و حتی می تواند بر مسائل امنیت ملی و راهبردهای کلان قابل ارزیابی باشد. در تشریح موضوع باید گفت رویکردهای جدید قطر تا حدود زیادی توانست مانع از تسری خیزش‌های مردمی (که معادلات حاکم بر دولت‌های خاورمیانه و توازن ساختگی منطقه ای را با چالش‌های جدی روبه رو نمود) به درون قطر شود. به نحوی که یکی از دلایل اتخاذ رویکردی فعالانه از سوی دولت قطر در صحنه سیاست خارجی، پاسخی به اوضاع و احوال منطقه‌ای و بین المللی تلقی می‌شود.

علاوه بر آثار سیاسی و اجتماعی می‌توان به گشایش‌های اقتصادی در قالب دیپلماسی اقتصادی اشاره نمود که برخی از مهم‌ترین ره‌آوردهای مربوط به حوزه اقتصادی عبارتند از:

۱- امکان تحقق و عملیاتی نمودن سیاست‌ها و پروژه‌های کلان اقتصادی از طریق جذب سرمایه گذاری‌های خارجی

۲- تسهیل و تسریع در طرح‌ها و برنامه‌های عمرانی و زیرساختی

- ۳- تشویق صاحبان سرمایه و بهبود فضای کسب‌وکار تجاری
  - ۴- تقویت حوزه‌های جدید اقتصادی-مالی مانند رونق صنعت گردشگری، صنایع وابسته به تبلیغات (چاپ، فضای مجازی و نظایر آن)، بازار بورس
  - ۵- دستیابی به علم و تکنولوژی روزآمد از طریق مبادله دانش، سرمایه و نیروی انسانی.
- چنانچه ملاحظه می‌گردد شناسایی، طراحی، برنامه‌ریزی و نهایتاً فعالیت در جهت بهره‌گیری جامع نگر نسبت به ظرفیت‌های تعاملاتی در چارچوب انواع شیوه‌ها و راهبردهای دیپلماسی عمومی (رسانه‌ای، فرهنگی، ورزشی، حمایتی و نظایر آن) نقش بسزایی در ایجاد و بسط فرصت‌های بین‌المللی داشته و پنجره‌های جدیدی را پیش روی دولت‌ها و بازیگران فعال قرار می‌نهد.

### منابع فارسی

- آشنا، حسام‌الدین (۱۳۸۴)، *کتاب امریکا (ویژه دیپلماسی عمومی)*، انتشارات موسسه فرهنگی ابرار معاصر تهران
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۷)، *چارچوبی مفهومی برای ارزیابی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، مرکز تحقیقات استراتژیک
- رضائی، علی (۱۳۸۹)، *قطر و دیپلماسی میانجی‌گراییانه*، گفتگو با دکتر پیروز مجتهد زاده، مرکز بین‌المللی مطالعات صلح
- زیبا کلام، نقل از ایسنا، شنبه ۲۰ مهر ۱۳۹۲
- سرخیل، بهنام (۱۳۹۴)، *جایگاه فراملی‌گرایی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، رساله دکتری، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی
- سیمبر، رضا (۱۳۹۱)، *روابط بین‌الملل و دیپلماسی صلح در نظام متحول جهانی*، تهران: انتشارات سمت
- جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۷۷)، *کانونهای بحران در خلیج فارس*، تهران: سازمان انتشارات کیهان، چاپ دوم.
- گوهری‌مقدم، ابودر (۱۳۹۱)، *رفتارهای حمایت‌گرانه و سیاست خارجی؛ انفاق و کمک‌های بین‌المللی*، گردآوری: کاووس سیدامامی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق.

### منابع عربی

- الشرفی، عبدالعزیز (۲۰۱۵)، *قطر اسرار الخزینه، جريدة الوطن*، طبع مصر.
- الفارس، محمد (۲۰۱۲)، *تقرير «الإحصاءات الاقتصادية الخلیجیة» مؤسسه الخلیج للإستثمار، دولة الكويت، الطبعة ۱۱.*
- ال فریدمن، توماس (۱۹۹۹)، AJE - Al Jazeera English، *ویکی بدیا*، فی:  
<https://fa.wikipedia.org/wiki/>
- الریحاوی، جمال (۲۰۱۶)، "موجودات "QNB"، ۱۴/ینایر، <http://www.cnbcArabia.com>

تطور دبلوماسية قطر: از بی طرفی محافظه کارانه تا نفوذ هوشمند

- الصيداوى، رياض (٢٠١٥)، «قطر دفعت مليونى دولار رشوة للفوز بتنظيم مونديال ٢٠٢٢ فى بلد شديد الحرارة و صغير جدا»، *صحيفة ديلي تلغراف*، ٣ ديسمبر، وثائق سرية، فى: <http://www.taquadoumiya.net/>

- المطوى المهندى، سعد راشد(٢٠١٥)، "المدينة التعليمية فى قطر: نظرة إستراتيجية"، فى: <http://www.dr-alkuwari.net/sites/akak/files/q-ed-city-saad.pdf>

- بنك قطر للتنمية (QDB)، (٢٠١٦)، فى:

<http://www.qdb.qa/Arabic/Investing/Pages/AboutQatar.aspx>

- بن فهد، عبدالله (٢٠١٥)، وكالة الأنباء القطرية، قنا، ٢٨/ديسمبر/٢٠١٥، «عام-التجارات-القطرية-المضيئة» <http://www.qna.org.qa/QNAREports/ReportDetails/-2015/211>  
- بونيفاس، باسكال (٢٠١٣)، *الديبلوماسية الرياضية لدولة قطر و قوة الناعمة*، الدوحة: المركز التحقيقى لدولة قطر.

- تغيان، شريف (٢٠١٤)، *احلام العظمة القطرية، ميراث من الفضائح للثالث الحاكم*، الفصل ٣ و٤، بيروت، بيسان النشر والتوزيع و الإعلام

- حبيب، أنس (٢٠١٥)، "أزمة الجزيرة"، موقع اليوم السابع، *صحيفة الجارديان*، ٢٣ سبتمبر، <http://www.youm7.com/story/٢٣/٩/٢٠١٥>

- رجب، حسام (٢٠١٥)، "قطر تتصدر قائمة أغنى دول العالم لسنة ٢٠١٥"، *مجلة جلوبال فاينانس الشهرية*، فى: <http://ar.webmanagercenter.com/>

- كتيبى، محمد جميل (٢٠١٣)، كتاب «التقدمية» قطر (إمارة الشر) و صوت الفتن، ١٤ ديسمبر، فى: <http://www.taquadoumiya.net/>

- عين، على (٢٠١٦)، «الأعمال و التجارة- الإستثمار فى قطر»، سفارة الإمارات العربية المتحدة فى الدوحة، ١٢/يناير، <http://uae-embassy.ae/Embassies/qa/Content/2389>

- معهد الاقتصاد و السلام (٢٠١٥)، «منع الجريمة والعدالة الجنائية»، تقرير مؤتمر الأمم المتحدة الثالث عشر، الدوحة، أبريل / [https://www.moi.gov.qa/unccpcjdoha/arabic/Qatar\\_Oasis.html](https://www.moi.gov.qa/unccpcjdoha/arabic/Qatar_Oasis.html)

- معشر، مروان (٢٠١٣)، «الإسلام فى السياسة: بين العقيدة و المصلحة»، التقرير التحليلى لمنتدى الحوار الدولى (فالداى)، [valdaiclub.com](http://valdaiclub.com)

◊ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال دوازدهم، شماره سی و پنجم، تابستان ۱۳۹۵ —————

- موقع قلم لتبادل المعلومات، ۲۰۱۵/۱۲/۲۴، <http://www.qalm.gov.qa>
- موقع وزارة التخطيط التنموى و الإحصاء و المعهد الدبلوماسى بوزارة الخارجية (۲۰۱۵)، قطر، ۲۰ ابريل، «التقرير الخامس للأهداف الألفية بدولة قطر»، <http://www.qix.gov.qa>
- موقع وزارة الخارجية (۲۰۱۵)، قطر، فى:  
<http://www.mofa.gov.qa/ar/Qatar/Pages/HistoryOfQatar.aspx>